

دوره ابتدایی و دانش‌آموزان در حال تحصیل در این دوره، ویژگی‌هایی دارند که در زمینه کاربرد و استفاده از فناوری در آموزش و پرورش این دوران باید به‌طور جدی مورد توجه و دقت قرار گیرند. کارکرد فناوری در دوره ابتدایی می‌تواند به سه شکل باشد:

● استفاده از کاربرد فناوری در محیط یادگیری رسمی مدرسه و کلاس درس؛

● استفاده از فناوری در محیط خانه برای امور آموزشی؛

● استفاده از رسانه‌ها به‌طور عمومی به‌عنوان مصداق از فناوری.

دوره ابتدایی زمان شکل‌گیری زیرساخت‌ها و عادت‌واره‌های یادگیری در کودکان این دوره است. البته جریان یادگیری از بدو تولد وجود داشته و بنیان‌های آن پیش از دوره ابتدایی شکل گرفته است، اما آنچه به‌صورت رسمی و در قالب آموزش و پرورش رسمی اتفاق می‌افتد و کم‌کم زمینه‌های شکل‌گیری عادت‌های مدرسه‌ای یادگیری را شکل می‌دهد، در دوره ابتدایی اتفاق می‌افتد. بر همین اساس، در کاربرد فناوری‌های آموزشی باید به این نکته توجه داشت که استفاده از آن‌ها به شکل‌گیری بنیان‌ها و عادت‌های یادگیری صحیح منتهی شود. از جمله اینکه وابستگی به فناوری برای آموزش

و یادگیری به هیچ‌عنوان در این دوران توصیه نمی‌شود. « دانش‌آموزان دوره ابتدایی در مقطعی در حال تحصیل هستند که عمده هدف این دوره «پرورش مهارت‌های عمومی» کودکان است؛ از جمله: مهارت‌های ارتباطی، کار گروهی، خودکنترلی، دوست‌یابی، زیست اجتماعی، صحیح سخن گفتن و آمادگی برای شنیدن. اگر کاربرد فناوری در دوره ابتدایی مانع پرورش مهارت‌های عمومی باشد، اصلاً توصیه نمی‌شود. کاربرد نسجیده فناوری و حالت افراطی آن، ممکن است به مهارت‌هایی همچون ارتباطات زنده اجتماعی، دوست‌یابی، مهارت‌های کلامی و شنیدن آسیب جدی وارد کند. از همین روست که به مدرسه‌ها و معلمان دوره ابتدایی توصیه می‌شود در کاربرد فناوری‌ها در کلاس درس و جریان آموزش، همیشه این سؤال را با خود تکرار کنند و به آن پاسخ دهند که: آیا استفاده از فناوری به رشد مهارت‌های عمومی دانش‌آموزان کمک می‌کند یا مانع آن می‌شود؟ هرگاه هم پاسخ این بود که مانع ایجاد می‌کند یا احتمال دارد اشکالی ایجاد کند، در استفاده از آن فناوری تجدیدنظر کنند

« کودکان دوره ابتدایی از نظر رشد شناختی در مرحله عملیات عینی



قرار دارند. به همین دلیل، در این دوران، آموزش و یادگیری از طریق تجربه‌های دست اول و عینی و ممزوج با دنیای واقعی، اهمیت زیادی دارد. اگر فناوری‌ها بتوانند در خدمت این تجربه‌های عینی باشند یا به عینی شدن مفاهیم انتزاعی کمک کنند، حتماً اثربخش خواهند بود. مثلاً شبیه‌سازی‌های دیجیتالی، واقعیت افزوده و بازی‌های آموزشی رایانه‌ای می‌توانند چنین نقشی داشته باشند. محتواهای چندرسانه‌ای به‌طور عمده، به دلیل عینی‌سازی مفاهیم، ارائه منابع متنوع برای یادگیری، ارائه همراه با جذابیت و دارا بودن جنبه‌های هنری و زیباشناسانه، می‌توانند از مصداق‌های استفاده صحیح از فناوری آموزشی در دوره ابتدایی باشند.

رشد مهارت‌های بدنی و فیزیکی در دوره ابتدایی مرحله مهمی است. این مرحله رشدی از طرق گوناگونی مثل بازی‌های بدنی، جست‌و‌خیزهای کودکانه، و تمرین‌هایی که چشم، دست، ذهن و اعضای بدن را هماهنگ می‌کنند، صورت می‌گیرد. فناوری‌ها به‌صورت ذاتی این آسیب را دارند که کاربر را به یکجانشینی دعوت یا وادار کنند؛ به‌خصوص رسانه‌ها به‌شدت واجد این ویژگی هستند. رایانه‌ها کاربران خود را به میزها می‌چسبانند و تحرک را از ایشان سلب می‌کنند! به همین دلایل، لازم است در کاربرد فناوری‌های آموزشی در دوره ابتدایی، در مقایسه با

رابطه آن‌ها با موضوع تحرک جسمانی، حساسیت لازم به خرج داده شود.

مهارت‌های فراشناختی کودکان دوره ابتدایی هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته است؛ مهارت‌هایی مثل خودتنظیمی، خودراهبری، خودارزیابی و خودکنترلی. مهارت‌های فراشناختی امکان اثربخشی هستند در اختیار انسان‌های بزرگسال و

رشدیافته، تا بتوانند کمیت و کیفیت استفاده از فناوری‌ها و محتواهای آن را مدیریت کنند. اما کودکان دوره ابتدایی در این مهارت‌ها ضعف جدی دارند و استفاده از فناوری‌ها، به‌خصوص رسانه‌ها، باید به‌صورت اشتراکی و در جمع هم‌کلاسی‌ها و با مدیریت و نظارت معلم اتفاق بیفتد تا کودکان از گرفتار شدن در آسیب‌های آن مصون بمانند.

مدیریت زمان از مهم‌ترین مهارت‌های موردنیاز کاربران فناوری، به‌خصوص اینترنت است. اگر کاربر توان برنامه‌ریزی صحیح برای مدیریت زمان صرف‌شده در محیط اینترنت را نداشته باشد، اولین آسیب جدی آن، از دست رفتن فرصت‌ها و صدمه دیدن سایر وظایف و نقش‌ها و تکالیف اوست. ضرورت مدیریت زمان برای کودکان دوره ابتدایی، در استفاده از بازی‌های رایانه‌ای نمود بیشتری پیدا می‌کند. آمارهای رسمی کشور نشان می‌دهند، زمان صرف‌شده کودکان ۷ تا ۱۲ ساله ایرانی در بازی‌های رایانه‌ای، بالاتر از میانگین و متوسط جهانی و استانداردهای موردپذیرش تربیت رسانه‌ای است! به همین دلیل، به معلمان و والدین توصیه می‌شود با توجه به ناتوانی کودکان این دوره در مدیریت زمان، نسبت به برنامه‌ریزی‌های زمانی استفاده از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای برای دانش‌آموزان ابتدایی، اهتمام جدی داشته باشند و حتی در دادن تکلیفی درسی که کودکان را به اینترنت ارجاع می‌دهد، جانب احتیاط را رعایت کنند.

در دوره ابتدایی، به‌طور رسمی و تحت تأثیر آموزش‌های مدرسه‌ای، شخصیت رسانه‌ای و نگرش‌های کودکان به فناوری‌ها شکل می‌گیرد؛ حال یا هم‌راستا با خانواده تقویت، یا غیر هم‌راستا با خانواده دچار تعارض می‌شود!

در هر یک از حالت‌های قبل، نحوه مواجهه مدرسه و معلم با موضوع فناوری و رسانه، می‌تواند بر نوع نگاه و شیوه کاربری کودکان دوره ابتدایی نسبت به فناوری‌ها و رسانه‌ها اثرات عمیقی داشته باشد. درس کار و فناوری در پایه ششم ابتدایی و درس تفکر و سواد رسانه‌ای در پایه دهم، اولاً از منظر تربیتی دیر هنگام هستند و ثانیاً تا موقع رسیدن کودکان به این درس‌ها (تازه مشروط بر اینکه قبول کنیم دانش‌آموزان واقعاً در فرایند و محتوای این دو درس به مهارت‌های فناورانه مجهز می‌شوند)، شخصیت آن‌ها در زمینه مواجهه و استفاده از فناوری و رسانه شکل گرفته است و تغییر دادن آن در سن ۱۲ یا ۱۶ سالگی کار ساده‌ای نیست! به همین دلیل، منطقی است اگر بیان کنیم تمامی معلمان در دوره ابتدایی، در کنار تمام وظایف آموزشی و تربیتی، در ساخت‌های گوناگون تربیت فناورانه و کمک به یادگیرندگان، برای شکل‌گیری شخصیت و مدل مصرف رسانه‌ای و فناورانه مطلوب در آن‌ها، وظایف مهم و سنگینی دارند. این موضوع ایجاب می‌کند معلمان دوره ابتدایی از مهارت‌های سواد رسانه‌ای و شایستگی‌های تربیت رسانه‌ای برخوردار باشند.

